فصلنامه‌ی ***مطالعات ملی***؛ ۷۲، سال هجدهم، شماره‌ی ۴، ۱۳۹۶

مدل‌سازی نقش ورزش در فرآیند شکل‌گیری هویت ملی[1]

ایران احمدپور [*] E-mail: iran.ahmadpour@ut.ac.ir
محمد خبیری [**] E-mail: mkhabiri@ut.ac.ir
حسین رجبی [***] E-mail: horajabi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲۴ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۱**

چکیده

ورزش از یک‌سو بستری برای ساخت، گسترش و نفوذ هویت ملی بوده است و از سوی دیگر این دولت‌ها و جنبش‌های هویت‌طلب بودند که به تقویت، گسترش و نفوذ ورزش مدرن کمک کردند. در این پژوهش با هدف بررسی نقش ورزش در فرآیند شکل‌گیری هویت ملی و در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق، مبنی بر چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هویت ملی بر ورزش در ایران، با ۲۸ نفر از کارشناسان، استادان دانشگاهی و ورزشکاران از منظر مفاهیمی همچون غرور ملی، تحکیم ایدئولوژی، تبلیغات سیاسی مصاحبه عمیق انجام گرفت؛ سپس با استفاده از روش‌شناسی کیفی و با تفسیر معنایی پاسخ مشارکت‌کنندگان از طریق استخراج مفاهیم اقدام به ساخت سیر داستانی مفاهیم کرده و با تفکیک عوامل زمینه‌ای، همسو و دخیل در ساختار مذکور، یک مدل نظری از رابطه هویت ملی و ورزش ارائه شد.

نتیجه‌ی تحقیق نشان می‌دهد ورزش می‌تواند همبستگی ملی را تقویت کند و با ایجاد غرور ملی و گره زدن علایق گروه‌های مختلف جامعه باعث همبستگی و وفاق در داخل کشور و قدرت‌نمایی در عرصه بین‌الملل شود.

کلید واژه‌ها: ورزش، هویت، هویت ملی، همبستگی ملی.

---

۱. مقاله مستخرج از پایان نامه دوره‌ی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی ورزشی پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران با عنوان «نقش ورزش در ایجاد هویت ملی» در سال ۱۳۹۶ می‌باشد.

* دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت ورزشی، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران، ایران، نویسنده‌ی مسؤول

** دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، تهران، ایران

*** استادیار مدیریت ورزشی، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران، ایران

مقدمه و طرح مسأله

تأثیر متقابل ورزش بر هویت ملی و هویت ملی بر ورزش اگرچه جزو مقوله‌های جدیدی است که نه صاحب‌نظران حوزه ورزش و نه متفکران علوم اجتماعی و علوم سیاسی چندان به آن نپرداخته‌اند، اما با این حال جزو حوزه‌های پر اهمیتی است که حداقل از چهل سال پیش به این سو تا حدودی مورد توجه هر دو حوزه قرار گرفته و مطالعات درباره‌ی آن رو به افزایش است (مگوایر، ۱۳۹۴: ۴). اگرچه بحث ورزش و هویت ملی و ملی‌گرایی به سال‌های آغازین پدید آمدن مفهوم «ملیت» برمی‌گردد، اما مطالعه درباره‌ی آن دیرتر آغاز شد و با شروع این مطالعات اهمیت روزافزون آن نیز آشکار گشت تا آنجا که هم‌اکنون سازمان‌ها و بنیادهای مختلفی در سراسر دنیا به تحقیق در این حوزه مشغول هستند؛ حوزه‌ای که با توجه به دغدغه‌های عمیق بحث ملیت و هویت ملی در ایران جای خالی آن در مطالعات دانشگاهی کاملاً محسوس است؛ چرا که در ایران با وجود تنوع فرهنگی از یک‌سو و غرض‌ورزی بسیاری از کشورهای همسایه از سوی دیگر ورزش از عوامل مهمی است که می‌تواند نقش مؤثری در هویت‌سازی داشته باشد.

«ورزش یکی از عناصری است که هم می‌تواند بر شکل‌گیری هویت ملی مؤثر باشد و هم از آن تأثیر پذیرد و با ظرفیت نمادینی که دارد می‌تواند ملتی کوچک (سرزمینی، تاریخی و...) را بزرگ و پر اهمیت جلوه داده و غرور و هویت ملی آن را ارتقا دهد» (فاضلی، ۱۳۹۳: ۷).

هویت ملی خود دارای ابعاد و وجوه مختلفی است که هرکدام از این وجوه می‌تواند از ورزش تأثیر پذیرد و یا بر آن تأثیر بگذارد. در ادامه ی این تحقیق ضمن تعریف هر کدام از این ابعاد سعی بر این خواهد بود که ارتباط متقابل هر کدام از آنها با ورزش بررسی و مدل‌های ارتباطی هر کدام و میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن سنجیده شود.

سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی

ورزش چگونه بر هویت ملی در ایران اثر می‌گذارد و چگونه از آن اثر می‌پذیرد؟

سؤال فرعی

ابعاد هویت ملی چیست و در چه تناظری با ورزش ایران قرار دارند؟

چارچوب نظری

واژگان محوری این پژوهش، «هویت»، «هویت ملـی» و «رابطـه میـان ورزش و هویـت ملی» است که در گام نخست با ارائه‌ی تعاریفی کوتاه از این مفاهیم سـعی خواهـد شـد تا نحوه‌ی تعامل با این واژگان و در ادامه ارتباط آنها با یکـدیگر بررسـی شـود. مفهـوم هویت به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیاتی اطلاق می‌شود که یک فرد یا جامعـه و فرهنگ را از دیگران متمایز می‌کند. هویت بر مبنای تمایز و تفکیک فـرد و جامعـه‌ای از فرد و جامعه‌ای دیگر قرار دارد. یکی از مهم‌ترین ابعاد هویت، هویت ملی اسـت کـه مجموعه‌ای است از اعتقادات، باورها، خواسـت‌هـا، فرهنـگ و تـاریخ مشـترک کـه در محدوده‌ای جغرافیایی افراد را به همدیگر پیوند می‌دهد. «موجودیت آن (هویت ملی) به باور مشترکی بستگی دارد که اعضایش را به یکدیگر متصل می‌کند و خواستی مشـترک برای تـداوم زنـدگی مشـترک اسـت» (میلـر، ۱۳۸۳: ۲۹). در ایـن میـان ورزش یکـی از مهم‌ترین عناصری است که می تواند در ایجاد هویت ملی نقش ایفا کند و هم‌چنـان‌کـه ویلکرسون و دودر اذعان داشته‌اند، اثبات و تعیین هویت یکی از هفت کـارکرد اساسـی ورزش است (وست و بوچر، ۱۳۷۴: ۳۶۸).

گسترش روزافزون ورزش در میان مردم و به‌ویژه جوانـان، موجـب اهمیـت رو بـه افزایش مطالعات سیاسی و اجتماعی در خصوص ارتباط ورزش بـا سیاسـت دولـت‌هـا شده است. تا جایی که ورزش از یک‌سو باعث افـزایش مقبولیـت در داخـل نظـام‌هـای سیاسی و از سوی دیگر باعث کسب اعتبـار در عرصـه سیاسـت بـین الملـل مـی شـود. «ورزش به دلیل تأثیراتی که بر حوزه‌ی عمومی می‌گذارد، مورد توجه حکومت‌هـا قـرار گرفته است تا از مجرای آن بتوانند عرصه عمومی را به کنترل خـود درآورنـد» (فاضـلی، ۱۳۹۳: ۶۲). ارتباط گسترده ورزش و سیاست منبعی قابل انعطاف برای دستیابی به طیف گسترده‌ای از اهداف داخلی و بین‌المللی در اختیار دولت‌هـا قـرار مـی‌دهـد (هولیهـان و گرین، ۲۰۰۸: ۱۲). به این ترتیب ورزش با اتکا بر توان سیاسی خود، با وحدت بخشیدن به نیروها، موجب ترویج و شکل‌گیری حـس مـیهن‌پرسـتی در بطـن جامعـه مـی‌شـود. بنابراین «ورزش با پایگاهی که در قالب‌های بین‌المللی دارد و اتکای شدیدش به نمادها و مراسمی که همراه این وقایع هستند، محلی برای ساخت ملی گرایی، انواع آن و میـزان خروجی سیاسی که تولید می‌کند؛ به شمار می‌رود» (کیلین، ۱۳۹۴: ۱۷۳).

تحقیقـات گسـترده در حـوزه‌ی رابطـه ورزش و هویـت ملـی مبـیّن تـأثیر متقابـل ایدئولوژی‌های ملی، طبقاتی، مذهبی، سیاسی و غیـره بـر ورزش و بـالعکس اسـت. بـه

نحوی که کتنیک فهرستی از این تحقیقات را ذکر کرده و تأکید دارد امروزه بحث رابطه ورزش، هویت ملی، ملی‌گرایی، به صورتی بین‌رشته‌ای و چندرشته ای در حال رشد مداوم است (کتنیک، ۲۰۰۹: ۵۴). از سوی دیگر گره خوردن احساسات ملی و ورزش مدرن منجر به گسترش ورزش‌های اروپایی و کنار رفتن ورزش‌های بومی شده است که پیامد آن بازتولید سلطه‌ی استعمارگران بوده است.

لرینگ. م. دانفورث در تحقیقات مشترکی با هومی بهابا تحت عنوان «روایتِ ملت» معتقد است با مطالعه‌ی ورزش می‌توان روایت‌های ملت‌ها را کشف کرد (دانفورث، ۲۰۰۱: ۳۶۳). هابرمن «ملی‌گرایی ورزشی» را پدیده‌ای واحد و یکدست نمی‌داند، به عکس آن را واکنشی سیاسی ـ اجتماعی پیچیده به چالش‌ها و رخدادهای ورزشی و غیرورزشی تعریف می‌کند که باید در همبافت‌های ملی گوناگونی فهمیده شود (به نقل از بیرنر، ۲۰۰۱: ۱۷). هم‌چنین نتایج تحقیقات داخلی، از جمله در تحقیقی که هاشمی و جوادی یگانه (۱۳۸۶) بر کارکردهای اجتماعی ورزش، به‌ویژه فوتبال انجام دادند؛ نشان داد که تیم‌های محلی با ایجاد یک گروه خودی درصدد تمایزبخشی با گروه غیر برمی‌آیند و مطابق با آن به نمادسازی و حتی تاریخ‌سازی‌می‌پردازند(هاشمی و جوادی‌یگانه،۱۳۸۶: ۱۱۲).

درخصوص نقش دولت ها در مدیریت هویتی ورزش، اخوان کاظمی (۱۳۷۸) در تحقیقی با عنوان «ورزش و سیاست بین المللی» ضمن بررسی تأثیر سیاست بر ورزش در عرصه‌های بین‌المللی، نتیجه می‌گیرد که در تقسیم‌بندی کسانی که از ورزش در عرصه بین‌المللی استفاده سیاسی می‌کنند، دو گروه عمده قابل تشخیص است که آنها را تحت عنوان دولتی و غیردولتی طبقه‌بندی می‌کند (اخوان‌کاظمی، ۱۳۷۸: ۳۰). هم‌چنین ملکوتیان (۱۳۸۸) در تحقیقی مشابه با عنوان «سیاست و ورزش» به جنبه‌های مختلف رابطه ورزش و سیاست پرداخته است. براساس این بررسی رابطه ورزش و سیاست یک رابطه دوطرفه است، به گونه ای که از یک طرف سیاست از طریق تدوین و اجرای راهبرد ورزشی بر ورزش تأثیر و از طرف دیگر ورزش از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی بر سیاست تأثیر می‌نهد (ملکوتیان، ۱۳۸۸: ۳۰۹). با این حال ضعف عمده تحقیقات انجام شده در این حوزه، عدم توجه به تنوع در جایگاه طبقاتی، اجتماعی و غیره پژوهشگران و پدیده‌های مورد پژوهش است.

ساخت مدل نظری این تحقیق، بنا به مدل روش شناسی و ساخت مفهومی استنباط شده از پاسخ مشارکت‌کنندگان، ساختی منظومه‌ای است که به شکلی خوشه‌ای پیوستاری از مفاهیم و به تبع نظام‌های معنایی ـ نظری آنها را بدون در هم تنیدن، به

سمت یک مخرج مشترک معنایی سوق می‌دهدکه به این ترتیب عملیاتی شده‌اند: شاخص هایی چون غرور ملی، تداوم هنجارهای اجتماعی ـ جنسیتی، تحکیم ایدئولوژی و تبلیغات سیاسی در بعد سیاسی/ جغرافیایی در کنار ایدئولوژی‌های ملی، طبقاتی، مذهبی، سیاسی به مثابه انگاره‌های تاریخی ـ اجتماعی که جملگی از پاسخ مشارکت‌کنندگان استنباط شده‌اند، هسته‌های پراکنده‌ای را تشکیل می‌دهند که به شکلی گفت‌وگویی و کنش ـ واکنشی در عین حفظ استقلال و وجوه متضاد درونی آنها، مفاهیم را در هویتی تازه به هم پیوند می‌زنند. به این ترتیب مفاهیم در شبکه مذکور واجد تأثیرات متفاوتی اعم از زمینه‌ای، همسو، دخیل و مختل‌کننده خواهند بود که می‌توانند بسته به جایگاه خود بر کلیت مفهومی تحقیق تأثیرگذار باشند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر براساس روش‌شناسی کیفی و با روش زمینه‌ای انجام شده است. «روش زمینه‌ای یک روش تحقیق استقرایی و با رویکرد کاملاً کیفی و اکتشافی است که به پژوهشگر امکان می‌دهد در مواردی که امکان تدوین فرضیه وجود ندارد به جای استفاده از تئوری‌های ازپیش‌تعریف شده خود به‌تدوین یک تئوری جدید اقدام‌کند»(ذکائی،۱۳۸۱: ۵۴).

در این مطالعه مشارکت‌کنندگان عبارتند از: ورزشکاران، اعضای تیم‌های ورزشی مختلف، مدیران ورزشی، مدرسان دانشگاهی در رشته های تربیت بدنی و معلمان و مربیان این رشته در کنار کارشناسان میان‌رشته‌ای اعم از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و غیره هم‌چنین دیگر رشته‌هایی که دارای دانش و تجربه لازم در زمینه شکل‌گیری و برساخت هویت ورزشی هستند و به نحوی از انحاء به فهم موضوعی پژوهش کمک می‌کنند.

روش گردآوری اطلاعات

داده‌های این مطالعه با استفاده از مصاحبه‌ی عمیق و ساخت‌نیافته، که خاص پژوهش‌های کیفی است (سیلورمن، ۲۰۰۵) گردآوری شده است. این نوع نمونه‌گیری از قاعده‌ی «انتخاب تدریجی» پیروی می‌کند، با کمک روش نمونه‌گیری کیفی به‌ویژه نمونه‌گیری گلوله برفی با افراد با اطلاعات کلیدی مصاحبه شده تا اشباع نظری حاصل شود. به لحاظ حجم نمونه، تعداد مشارکت‌کنندگان در این تحقیق ۲۸ نفر بودند (که با عناوین A1، A2، A3 و... مشخص شده‌اند). از این تعداد ۱۰ نفر ورزشکار، ۵ نفر مربی و کادر ورزشی، ۷ نفر اساتید، معلمان و کارشناسان ورزشی و ۶ نفر از صاحب‌نظران

سایر رشته‌های مطالعاتی (جامعه‌شناسی و روان‌شناسی) بودند و از حجم نمونه‌ای ۴۵ مصاحبه تهیه گردید که ۲۸ نمونه آن استفاده شد. مصاحبه‌ها در بازه‌ی زمانیِ مهرماه ۱۳۹۵ لغایت اسفند ۱۳۹۵ به شکل حضوری انجام گرفته است.

نقطه‌ی اشباع نظری هم نقطه‌ی پایانی برای گردآوری داده‌ها انتخاب شده است و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل موضوعی (تحلیل درون‌مایه) استفاده شد. روش تحلیل موضوعی یکی از شایع‌ترین روش‌های مورد استفاده در تحلیل داده‌های کیفی است. «این نوع تحلیل عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. تحلیل موضوعی در وهله‌ی اول به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی‌که الگویی از داده‌ها به‌دست آمد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی درونمایه‌ها از داده‌ها نشأت می‌گیرند» (سیلورمن، ۲۰۰۵: ۶۲).

یافته‌های تحقیق

در تحقیق حاضر با بررسی دیدگاه‌های ۲۸ نفر از ورزشکاران، اعضای تیم‌های ورزشی مختلف، مدیران ورزشی، مدرسان دانشگاهی و مربیان در کنار کارشناسان میان‌رشته‌ای اعم از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و دیگر رشته‌هایی که دارای دانش و تجربه لازم در زمینه شکل‌گیری و برساخت هویت ورزشی هستند و تفسیر معناشناختی پاسخ‌های آنان درخصوص تجربیات و مطالعات‌شان در زمینه‌ی فعالیت هویتی ـ ورزشی، جواب‌ها به هفت مقوله‌ی اصلی تقسیم شده که عبارتند از: بعد اجتماعی، بعد تاریخی، بعد جغرافیایی، بعد سیاسی، بعد دینی و مذهبی، بعد فرهنگی و بعد مدیریتی. این تفسیر معنایی نشان می‌دهد که هویت ملی افراد به تناظر موقعیت و پایگاه ورزشی متغیر و به شکلی نمادین احیاء می‌شود. مقولات مذکور با توجه به کدهای بازسازی شده در مصاحبه‌های افراد استخراج شده و مورد توجه قرار گرفته است.

۱- بعد اجتماعی

فقدان هویت‌های از پیش تعیین‌کننده که بتواند حامل یک امنیت هستی‌شناختی باشد، اصلی‌ترین شاخصه‌ی زندگی انسان نوین در عصر مدرنیته‌ی متأخر است. هویت ورزشی افراد در قالب روابط اجتماعی و خرده‌فرهنگی را می‌توان در قالب زیرطبقاتی چون مناسبات و همگرایی ساختار اجتماعی، اعتماد اجتماعی و سلامت روان اجتماعی و غیره مشاهده کرد. مشارکت‌کنندگان با تأکید بر روابط طبقاتی و مشارکت اجتماعی، مخاطره و تعمیم و تخصیص یابی، روان فردی متعال و حمایت اجتماعی بر بعد

اجتماعی ورزش صحه نهادند. A5 می‌گوید: حضور ورزشکاران از منطقه و طبقه خاص می‌تواند باعث اعتمادبه‌نفس مردم آن منطقه و طبقه و گرایش به ورزش متبوع وی شود.

جدول شماره ۱: بُعد اجتماعی

ردیف	جواب‌ها	مقوله‌ها	مقوله‌ی هسته
۱	**حضور ورزشکاران از منطقه و طبقه خاص می‌تواند باعث اعتماد به نفس مردم آن منطقه و طبقه و گرایش به ورزش متبوع وی شود.**	**مناسبات و همگرایی ساختار اجتماعی**	**بعد اجتماعی**
۲	**یکی از راه های شناخت یک مملکت، شناخت ورزش و ورزشکاران آن کشور است.**		
۳	**قبلاً به علت درگیری‌های منطقه، با ما، به شکلی امنیتی رفتار می‌شد؛ اما بعدها و با شناختی که به جود آمد، این رفتار تغییر کرد.**	**اعتماد اجتماعی**	
۴	**حضور ورزشکاران یک شهر در تیم‌های ملی و رسانه‌ای شدن فعالیت و نتایج مسابقات‌شان باعث توجه و اعتماد بیشتر به آن شهر می‌شود.**		
۵	**هر گونه پیروزی یا شکست در مسابقات ورزشی در برابر حریفان می‌تواند در روحیه عمومی و سلامت روان آن مملکت تأثیر مثبت و یا منفی داشته باشد.**	**سلامت روان اجتماعی**	
۶	**یک ورزشکار موفق باید به درستی برنامه‌های خودش را پیش ببرد و اگر از نظر روحی و روانی در شرایط خوبی باشد، هر اتفاق بزرگی ممکن است رخ دهد.**		

ورزش ضمن آن‌که پدیده‌ای جمعی و اجتماعی است؛ به شکلی نهادی دارای کارکردهای خاصی برای نظام اجتماعی است که از یک‌سو ضمن رابطه‌ای همسو با ساختار اجتماعی و طبقاتی به گرایش مردمی از اقشار مختلف اجتماع به نوع خاصی از ورزش تأثیر بالایی دارد. این مسأله خود به شکلی دو سویه ورزش را در کانون ترجمانی فرد و جامعه قرار می دهد و از دیگر سو برای ابقای خود نیازمند ضمانتی حمایتی است که موجب اعتماد میان مخاطبان و ورزش می‌شود.

۲- بعد تاریخی

بعد تاریخی هویت ورزشی در کنار نقب زدن به آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن، مؤید نوعی «هم‌تاریخ‌پنداری» است که پیونددهنده‌ی نسل‌های مختلف به یکدیگر و بازنمایی تصویری هویت‌های تاریخی است. بعد تاریخی بنا به کدگذاری پاسخ مشارکت‌کنندگان، واجد زیر طبقاتی اعم از پیوند تاریخی و بازنمایی هویت تاریخی است. درواقع مشارکت‌کنندگان در طول

مصاحبه از طریق تأکید بر ریز مقولاتی همچون اراده تاریخی ، نمادها و تاریخ ملت بر وجود بعد تاریخی ورزش صحه نهادند. A16 به‌عنوان کارشناس مطالعات تاریخی ورزش معتقد است: رشته‌های ورزشی خود ریشه در رفتار و فرهنگ ملی و تاریخی دارند. عدم مطالعه دقیق جنبه تاریخی ورزش‌ها موجب فراموشی این رشته‌ها و تنزل شأن جهانی ورزشکاران داخلی در عرصه‌های بین‌المللی شده است.

جدول شماره ۲: بُعد تاریخی

ردیف	جواب‌ها	مقوله‌ها	مقوله‌ی هسته
۱	**بخشی از ورزش‌ها با هویت ملی ایرانی عجین شده است. در هر ملتی، ورزشی که با هویت ملی آن کشورعجین شده است سرآمد دیگر ورزش‌هاست.**	پیوند تاریخی	بعد تاریخی
۲	**کشتی تاریخ ماست، ما ورزش را با این تاریخ می‌شناسیم و با کشتی خود را به دنیا معرفی کرده‌ایم.**		
۳	**رفتار ما در مسابقات نشانی از هویت و تاریخ ما دارد. ملت‌ها تاریخ ما را با رفتار تیمی ما می‌شناسند.**		
۴	**ورزش به واسطه‌ی کششی که ایجاد می‌کند در تقویت و تحکیم وفاق ملی و تاریخی دست بالا را دارد.**	بازنمایی هویت‌تاریخی	
۵	**برافراشتن پرچم ایران در مسابقات برای من یعنی احساس برتری نسبت به بقیه‌ی ملت‌ها.**		
۶	**بازی ایران با آمریکا در جام جهانی به شکلی انتقامی تاریخی از آمریکا پس از کودتای ۱۳۳۲ بود.**		

بنابر آنچه در مثال‌ها و گفته‌های پاسخگویان مشهود بود، ورزش ضمن آن که خود برخاسته از فرهنگ همزیستی و علایق جمعی یک جامعه تاریخی است، می تواند همچون امری اجتماعی احیاگر اراده جمعی و پیوندهای تاریخی میان یک ملت نیز باشد. در عین حال گاهی ورزش خود فارغ از وابستگی تاریخی می‌تواند با به کارگیری نمادها به تحریک روحیه قومی و ملی اقدام کند و با برساختن ملت نمادین، موجب فاخر نشان دادن ملت‌ها در مسابقات بین‌المللی و تصورات متفاوت‌تری به نسبت جایگاه تاریخی آنها باشد.

۳- بعد جغرافیایی

درهم تنیدگی جغرافیا و ورزش به شکلی متقابل موجب آشنایی مردمان با حوزه‌های مختلف مکانی و ژئوپولتیکی از طریق تیم‌های ورزشی، مسابقات و تورنمت‌ها، می‌شود. به نحوی که امروزه می‌توان ورزش را به‌عنوان جاذبه‌ای جغرافیایی تلقی کرد که از

طریق آن و به کمک آن می‌تواند بـه تقویـت حـس ملـی‌گرایـی و حـس قلمروخـواهی ملت‌ها کمک کند. در اینجا با استناد به پاسخ مشارکت کنندگان و تأکید آنهـا بـر عوامـل جغرافیایی و نقش آن در ورزش، می توان اقلیم گرایی و ژئوپولیتیک ورزشی را به‌عنـوان زیر طبقات این مقوله مورد بازخوانی قرار داد، که از طریـق ریزمقـولاتی چـون شـرایط زیست ـ محیطی و امکانات تخصیص یافته، تبعیض و نژادپرسـتی و همگرایـی ملـی و فراملی کدگذاری شده‌اند. A3 معتقد است: نمی‌شود منکر عوامل ژنتیکی و اقلیمی شـد، مثلاً افراد سیاهپوست آفریقایی به دلیل سازگاری قلبی تنفسی و یـا بلنـدی و کشـیدگی ساق پا بیشتر به ورزش‌های غیرهوازی روی می‌آورند و موفق‌تر هستند.

جدول شماره ۳: بُعد جغرافیایی

ردیف	جواب‌ها	مقوله‌ها	مقوله‌ی هسته
۱	**کشتی و ورزش پهلوانی از این آب و هوا تغذیه کرده است؛ وقتی توی گود می‌نشینی خودتو را در محاصره‌ی کوهها تصور می‌کنی.**	اقلیم‌گرایی	بعد جغرافیایی
۲	**سه‌سال بدون مربی و اردوی همگام سازی جسمی‌تمرین‌کردم، آن هم در رشته‌ای که حضور مربی و اردوهای تمرینی در پیشرفت ورزشکاران تأثیر زیادی دارد.**		
۳	**من هر روز در شرایط جوی سخت و سرمای زیـر صـفردرجه زمسـتان کـه تماماً مغایر با شرایط جوی کشورم است، تمرین کردم به این امید که بتوانم خود را با شرایط اقلیمی مسابقات وفق دهم.**		
۵	**در دوران پهلوی سعی بر آن بود که به شکلی تحمیلی نوعی هویت و همبستگی ملی از طریق ورزش ایجاد شود، مثلاً تقابل تیم تـاج و پرسـپولیس در آن دوره به نوعی تقابل میان دولت و ملت را ایجاد کرده بود.**	ژئوپولیتیک ورزشی	
۶	**ورزش به علت این‌که رقابتی را در عرصه‌ای متفاوت از میـدان جنـگ بـین ملت‌ها ایجاد می‌کند به تقویت همگرایی کمک می‌کند.**		
۷	**انتقام ازکشوری دیگر به‌جای میدان نبرد به حوزه‌ی ورزشی منتقل شده است.**		

بنابر پاسخ مشارکت‌کنندگان موضوع جغرافیایی چه به لحاظ اقلیمی و چه بـه لحـاظ جغرافیای سیاسی در ورزش‌های تیمی و انفرادی نقش بارزی ایفا می‌کند. در ایـن میـان ورزش‌ها خود تابعی از شرایط اقلیمـی و تغیـر در آن هسـتند. عمـده‌ی گـرایش‌هـا بـه ورزش‌های بومی به مثابه برآیند این شرایط و محبوبیت مردمی آنها، خـود حاصـل ایـن مسأله است. هم‌چنین دو موضوع ژئوپولتیک ورزشـی بـه‌عنـوان مقولـه ثـانوی در بعـد ورزشی، حاوی دو کارکرد مثبت و منفی است که ضـمن بسترسـازی سیاسـی و ایجـاد روابط فراملی و همگرایی ملی، می‌تواند عرصه‌ی احساس تبعیض‌ها و خشونت‌ها باشد.

۴- بعد سیاسی

توانایی ورزش در بسیج عمومی و تهییج احساسات، بهره‌گیری از آن در جهت توسعه اقتصادی تبلیغات رسانه‌ای و ایجاد مشروعیت و ملت سازی و همگرایی ملی باعث توجه حکومت‌ها به ورزش شده است. خلق مفاهیم جدیدی چون سیاست ورزشی، بازی سیاسی و دیپلماسی ورزشی بین قدرت‌های درگیر در عرصه سیاست بین‌المللی نشان از خلق عرصه جدیدی برای تعاملات سیاسی در چهره‌ای متفاوت از میدان جنگ یا مذاکرات سیاسی آشکار دارد. زیر طبقاتی اعم از غرور ملی، ارتقاء فرهنگ سیاسی و تبلیغات سیاسی محصول کدگذاری ریزمقولاتی چون دو قطبی‌سازی و مقاومت سیاسی، جنبه‌ی عاطفی و شناختی عرق ورزشی، دیپلماسی ورزشی و تحکیم ایدئولوژی است که در طی مصاحبه مشارکت‌کنندگان بر آن تأکید شده است. برای مثال مشارکت کننده A7 ورزش را برند ملت و معرف ارزش‌های یک جامعه می‌داند و می‌گوید: ورزش با ایجاد غرور ملی در مردم یک کشور موجب انسجام ملی می‌شود و با ایجاد احساس علاقه به میهن، مردم یک کشور را به هم پیوند می‌دهد.

جدول شماره ۴: بُعد سیاسی

ردیف	جواب‌ها	مقوله‌ها	مقوله‌ی هسته
۱	حس خیلی خوبیه که پرچم ایران را بالا ببری. افتخار می‌کنم که ایرانی هستم و برای کشورم مقام می‌آورم.	غرور ملی	بعد سیاسی
۲	حس بالا بردن پرچم کشورم قابل مقایسه با هیچ حسی نیست. آنقدر مهم و بزرگه که حاضرم سال‌ها برایش زحمت بکشم.		
۳	پیشنهاد سرمربی تیم کشتی امریکا به ترامپ برای سفر به ایران در اعتراض به فرمان نژادپرستانه، نشان داد که ورزش ایران توانسته عاملی برای ارتقای فرهنگ سیاسی و هویت ملی باشد.	ارتقای فرهنگ سیاسی	
۴	حضور قدرتمندانه ورزشی و فرهنگی یک ورزشکار می‌تواند باعث نگرش مثبت و یا منفی جهانیان درباره‌ی آن کشور و مردمانش شود. ورزشکار باید بداند که در عرصه‌های جهانی فقط خودش نیست، بلکه یک ملت است.		
۵	ورزش به لحاظ تبلیغی و پروپاگاندایی از چنان قدرتی برخوردار است که هیچ ماشین تبلیغاتی از پس آن برنمی‌آید.	تبلیغات سیاسی	
۶	ورزش از ظرفیت ایجاد افتراق و جدایی و خصومت میان ملت‌ها برخوردار است، بستگی به این دارد که نتیجه رقابت‌های ورزشی را تا چه اندازه جدی بگیریم.		

مشارکت‌کنندگان با قرار دادن ورزش در بطن گفتمان‌های سیاسی و نقش سازنده و ترویجی آن در همبستگی اجتماعی و ملی به لحاظ عاطفی و شناختی و جنبه‌ی دیپلماسی گرایانه و ایدئولوژیک آن، بر اهداف و مقاصد دولت‌ها در پس سیاست ورزشی صحه نهادند. به عبارت دیگر ورزش از منظر آنها محلی است برای اجرا و پیاده‌کردن مقاصد بالای سیاسی اعم از همگرایی و وحدت ملی، مذاکرات بین‌المللی و غیره؛ در عین حال تشدید این سیاست‌ها بعضاً بُعد منفی و واگرایانه به خود می‌گیرد.

۵- بعد دینی و مذهبی

تعامل ورزش و دین در معنای خاص و مناسک مذهبی در معنای عام را می توان یک امر مسجّل به حساب آورد. «ورزش از این حیث که دارای دستگاهی سازمان یافته، تأدیبی و آیین شکرگزاری است و از کیفیت مذهبی رشادت و تعلیم روح برخوردار است، به نوعی امری مذهبی تلقی می‌شود» (نواک، ۱۹۹۳: ۶۹).

زیر طبقاتی اعم از تعصبات دینی، اخلاق دینی و موضوع زنان و پوشش مذهبی محصول کدگذاری ریز مقولاتی سرگرمی و سرف وقت، فضیلت ورزشی و قوانین سازنده، سنت و بازنمایی رسانه‌ای است که از سوی مشارکت‌کنندگان در طی مصاحبه بر آن تأکید شده است. برای مثال مشارکت‌کننده A8 به امکان وجود چالش‌های در فضاهای ورزشی به علت تنوع در مذاهب ورزشکاران و تماشاگران اشاره می‌کند.

جدول شماره ۵: بُعد دینی و مذهبی

ردیف	جواب‌ها	مقوله‌ها	مقوله‌ی هسته
۱	وقتی بحث مذهب برجسته می‌شود، مذهب مقابل می تواند به عنوان یک مؤلفه انشقاق هویت ملی خود را در فضای ورزشی مطرح کند.	تعصبات مذهبی	بعد دینی و مذهبی
۲	بعضاً افراد نادری به جای شادی از برد در مسابقات ملی، از پیروزی حریف خوشحال شده‌اند.		
۳	وجود ممانعت‌هایی که در برابر من ایجاد شد، باعث شد که من برای دیگران مانع ایجاد نکنم و سعی کنم که حق کسی را پایمال نکنم.	اخلاق و شئونات ورزشی	
۴	در مسابقه‌ای در امریکا من داوری یک ایرانی و امریکایی را برعهده داشتم. با وجود آن‌که دوست داشتم ورزشکار ایرانی برنده شود، اما اصول و قواعد را فدای علایق خویش نکردم و براساس شرایط فنی داوری کردم.		
۵	حس حضور در میادین بین‌المللی نه تنها یک حس نیست، بلکه انگیزه‌ی خاصی است. من حاضرم به خاطر این حس از همه خواسته‌هایم بگذرم، حتی از بچه‌دار شدن و سلیقه‌ی پوششی‌ام.	زنان و پوشش ورزشی	

به لحاظ تفسیری، رابطه و نقش دین در ورزش و وجوه تعصب‌گرایی، اخلاق و مسأله زنان، مؤید محدودیت‌ها و فرصت‌های جدیدی است که امروزه ورزش با آن روبرو است. در این نظام معنایی خشونت‌زایی و هوچی‌گرایی و امکان سرایت این فرهنگ و اخلاق غلط در بستر جامعه، می‌تواند موجب انحطاط اخلاقی شود. در مقابل بخشی از مشارکت‌کنندگان بر ابعاد فضیلت‌گرایانه و مناسبات قانونی ناظر بر عملکرد ورزشی تأکید دارند که می‌توانند اسوه‌ای برای رفتار رایج کاربران و هواداران ورزشی باشد.

۶- بعد فرهنگی

در رابطه‌ی فرهنگ و ورزش سه عنصر حائز اهمیت است که عبارتند از: رابطه بنیاد فرهنگی (اخلاق و تکریم فرهنگ سایر ملل)، ایجاد میدان مستقل فرهنگی از سوی ورزش (نمایش نمودهای ملموس زیبایی‌شناختی و هنرمندانه) و سر آخر جنبه‌ی آموزشی و جامعه‌پذیری آن (مجموعه باورها و مفروضات انسانی مورد انتظار جامعه). در اینجا با استناد به عمده پاسخ مشارکت‌کنندگان و تأکید آنها بر عوامل فرهنگی و نقش آن در ورزش، زبان ورزشی، فرهنگ‌پذیری و تعاملات فرهنگی را به‌عنوان زیر طبقات این مقوله مورد بازخوانی قرار داده‌ای که از طریق ریزمقولاتی چون زبان و مصرف‌گرایی ورزشی، الگوسازی و تکریم/ تغییر فرهنگی، جذب فرهنگی و اشاعه فرهنگی کدگذاری شده‌اند. برای مثال مشارکت‌کننده A2 به جنبه‌ی آموزشی و فرهنگی ورزش اشاره می‌کند و می‌گوید: قهرمانان ورزشی الگوی جوانان، نوجوانان و حتی والدین آنها در جهت تشویق و هدایت مردم به سوی فرهنگ والا و گسترش آن ورزش خاص در بین همگان و کشف استعدادهای جدید برای ارتقای ورزش و جامعه هستند.

جدول شماره ۶: بُعد فرهنگی

ردیف	جواب‌ها	مقوله‌ها	مقوله‌ی هسته
۱	ورزش زبانی بین‌المللی است و پیوند میان ملت‌ها را سهل و ساده‌تر کرده است.	زبان ورزشی	بعد فرهنگی
۲	زبان ورزش در حوزه بین‌المللی توانسته فضایی برای مخالفت با ایدئولوژی رسمی دولت‌ها ایجاد کند. مثلاً همین رجزخوانی، فحش‌ها و آرایش‌های غیرمعمول به نوعی برخلاف الگوی اخلاقی مد نظر حاکمیت است.		
۳	اگر ورزشکاری در بین مردم به‌عنوان الگو معرفی شد، در بین افراد خصوصاً در بین جوانان و نوجوانان که بیشتر مطیع میل و خواست‌های برون‌گرا هستند، می‌تواند تمایل و انگیزه ایجاد کند.	فرهنگ‌پذیری	
۴	وقتی ورزشکار شاخصی از یک منطقه یا قومیت خاص برمی‌خیزد، علاقه مردم آن منطقه و یا قومیت به آن رشته افزایش می‌یابد.		

۵	هر ورزشکاری نماینده ملتش است و حضور او در میادین بین‌المللی می‌تواند باعث ایجاد نگرش مثبت یا منفی نسبت به آن کشور شود.	تعاملات فرهنگی	
۶	اهتزاز پرچم و پخش سرود ملی یک کشور پس از پیروزی ورزشکارانش در میادین بین‌المللی، عاملی است برای تأیید، تجسم و قوام بخشیدن به هویت ملی آن کشور در سطح جهانی.		

به لحاظ تفسیری رابطه و نقش فرهنگ با ورزش مؤید وجود میدان مستقلی در تجانس با میادین سیاسی و اقتصادی است که خود واجد ویژگی‌های: مساوات‌طلبی، تخصصی بودن، عقلانی بودن، سازمان‌یافتگی اداری، شمارش‌پذیری و تعقیب رکوردهاست. از این لحاظ ورزش از راه تباین با همه‌ی صورت‌های پیشین بازی‌های مدنی و فرهنگی توانسته است، زمینه فرهنگی ویژه‌ای برای خود فراهم آورد. با استناد به پاسخ مشارکت‌کنندگان، این تکوین فرهنگی در عین حفظ استقلال خود، به شکلی در خدمت روند اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری جامعه درآمده است.

۷- بعد مدیریتی

اهمیت و دامنه‌ی رو به افزایش ورزش در جامعه، مدیریت ورزشی را تبدیل به راهبردی حیاتی می‌کند. مدیریت ورزشی هم در عمل و هم در تحقیق تبدیل به یکی از حوزه‌های قابل توجه سیاست‌گذاری دولت‌ها شده است. در اینجا با استناد به عمده پاسخ مشارکت‌کنندگان و تأکید آنها بر جنبه‌ی مدیریتی و سازمانی ورزش، می‌توان ارزش‌یابی یادگیری، اوقات فراغت و محتواآفرینی را به‌عنوان زیر طبقات این مقوله مورد بازخوانی قرار داد که از طریق ریزمقولاتی چون خلاقیت و بومی‌سازی، اقتصاد و تسهیلات ورزشی و فضاهای فراغتی، استراتژی محتوا و مخاطب‌شناسی کدگذاری شده‌اند. برای مثال مشارکت‌کننده A2 به جنبه‌ی آموزشی و فرهنگی ورزش اشاره می‌کند و می‌گوید: قهرمانان ورزشی الگوی جوانان، نوجوانان و نونهالان و حتی والدین آنها در جهت تشویق و هدایت مردم به سوی فرهنگ والا و گسترش آن ورزش خاص در بین همگان و کشف استعدادهای جدید هستند.

جدول شماره ۷: بُعد مدیریتی

ردیف	جواب‌ها	مقوله‌ها	مقوله‌ی هسته
۱	ضرورت کار علمی و تلاش فدراسیون‌ها و مراکز آموزش عالی را می‌طلبد تا ورزش ملی در جهان نشان داده شود؛ در هر حال، ورزش های مدرن به دلیل استقبال جهانی، جامعه جوان را به خود بهتر جذب کرده‌اند.	ارزش‌یابی یادگیری	بعد مدیریتی
۲	بسیاری از ورزش‌های موجود در جهان امروز خود ورزش‌های بومی مناطق مختلف دنیا بوده‌اند که معرفی شده و به روز شده‌اند. ما نیز باید با شناسایی، حفظ و معرفی ورزش‌های بومی خودمان را به کشور و منطقه و حتی دنیا معرفی کنیم.		
۳	ورزش و تفریحات سالم یکی از روش‌هایی مناسب برای پرکردن اوقات فراغت افراد جامعه است و آنان را برای زندگی، تلاش و اهداف مشترک آماده می‌سازد.	اوقات فراغت	
۴	ورزش ابزاری برای غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان و نوجوانان و واجد جنبه تفریحی است، که می‌تواند به لحاظ شکل‌دهی شخصیت و الگوسازی مناسب قابل توجه باشد.		
۵	حضور افراد غیرورزشی و سیاسی در مسؤولیت‌های ورزشی موجب بروز چالش‌هایی در سطح مدیریت شده است.	محتواآفرینی	
۶	فقدان تبلیغ و ترویج مناسب برای رشته‌هایی مانند کشتی، که ریشه ملی دارند، در کنار عدم توسعه امکانات نرم‌افزاری وسخت‌افزاری و تغییر ندادن و بازنگری نکردن قوانین و مقررات سنتی و همسونکردن آنها با مقتضیات فنی، ورزشی و فرهنگی جوامع امروزی در این رشته‌ها، موجب انزوای روزافزون آنها شده است.		

تجمیع پاسخ مشارکت‌کنندگان بیانگر وجود سه طبقه‌ی اصلی آموزشی و ارزشیابی، اوقات فراغت و محتواآفرینی ذیل این مفهوم است. این سه طبقه در کنار هم با طرح همجواری ساختار و بافت بر پیگیری نظام‌های جدید، رفتارها و روندها با هدف بهبود عملکرد سازمانی تأکید دارند. درحالی‌که ایده‌ی ابداع در ادامه‌ی موضوع محتواآفرینی در راستای اتخاذ یک سیستم جدید مدیریتی، به عملکرد سازمان در برخورد با چالش‌های محیطی که با آن روبروست کمک می‌کند. بنابراین تحقق این مهم نیازمند وجود سیاست سازمانی، انگیزه‌ها و تصمیماتی است که می‌تواند به مجموعه‌های ورزشی و عاملان آن سروسامان ببخشد و این چیزی است که عمده مشارکت‌کنندگان از دولت انتظار دارند.

تحلیل فرآیند

با استناد به مصاحبه‌های انجام شده در این تحقیق و تفسیر معنایی آنها به تناظر ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، دینی و مذهبی و مدیریتی می‌توان به مدل ماتریکسی متحدالمرکز از روابط این ابعاد با هویت ملی ورزشی (نمودار شماره ۱) دست یافت. هم‌چنین رابطه‌ی معنایی و محتوایی زیر طبقات این ابعاد، بنا به همسویی و رابطه کنشی میان ریزمقولات آنها مؤید ساختاری شبکه‌ای میان مفهوم هویت ملی و هویت ورزشی است که می‌تواند برسازنده‌ی نظام معانی حول محور این مفهوم باشند (نمودار شماره ۲). درواقع این دو مدل و توازی تفسیر معنایی مقولات در ابعاد مختلف هویتی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، افراد بسی بیشتر از تعاریف و ساخت‌های هویت‌ورزی دولت‌ها، در پی بازنمایی و برساخت هویتی خویش از طریق حضور در میادین ورزشی هستند. در بازسازی سیر داستانی پاسخ مشارکت‌کنندگان مختلف، براساس نحوه‌ی کدبندی و مقوله‌سازی در این تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که در کنار عوامل بازدارنده‌ای از قبیل تبعیض، دو قطبی‌سازی و مصرف‌گرایی ضمنی ورزش، که به‌عنوان کارکردهای منفی مدیریتی موجب تحقق هویت‌های مقاومتی شده‌اند، روحیه‌ی چرخش مراقبتی فرصتی برای احیای هویت ملی است که خود محصول بر هم کنش میان زیر طبقات ابعاد هفتگانه است. این فرصت ارتباطی که در نمودار ۲ نشان داده شده است، می‌تواند به شکل چرخشی خدماتی الگویی برای سیاست‌ورزی دولت‌ها و نهادهای مدیریتی در سمت و سوی ایجاد تعادل مذکور میان هویت فردی و هویت ملی باشد.

نمودار شماره ۱: ماتریکس روابط مقولات اصلی و هسته‌ای

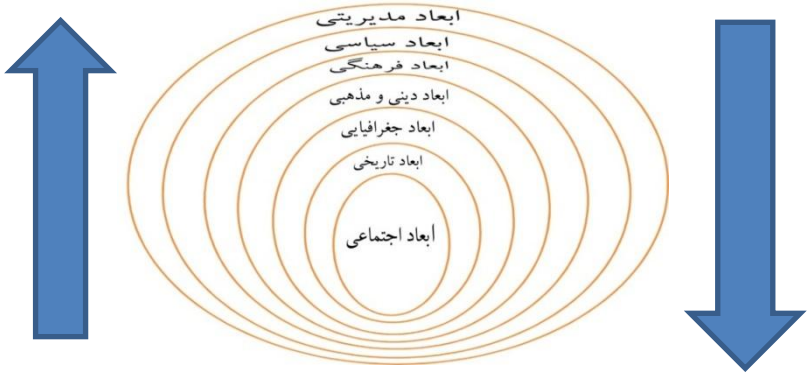

نمودار ۲: شبکه ارتباطی میان مقولات اصلی و ریز طبقات مفهومی هویت ورزشی

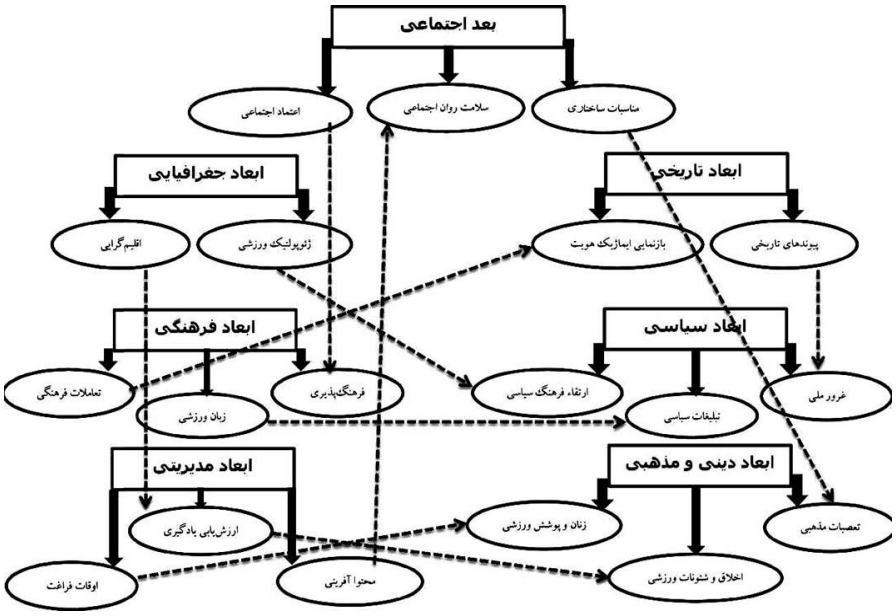

نتیجه‌گیری

ارائه‌ی مدل هویت ملی با محوریت ورزش در شرایط و بستر موجود واجد وجهی برساختی و مدیریتی است که به‌عنوان عاملی زمینه‌ای به دیگر ابعاد موجود در این تحقیق نقش می‌دهد تا هویت‌ورزان در قالب کنشگران فعّال با پذیرش و یا ردّ ابتکارات مدیریتی دولت‌ها و یا سازمان‌های متولی ورزشی و جامعه ورزشی دست به مقاومت و یا تکریم این مناسبات زده و در بستر و میدان ورزشی به‌عنوان میدانی مستقل به مقاومت، خلاقیت و یا تکریم آن همت گماردند.

در مقابل ابعاد سیاسی/ اجتماعی به‌عنوان عوامل مداخله‌گر، در شرایط مذکور اثری تزایدی دارند. تأثیر این عوامل بر روی مشارکت‌کنندگان، منتج به شکل‌گیری احساس بی‌توازنی بین داده‌ها و ستانده‌ها (هویت ذاتی و هویت برساختی) می‌شود. این احساس عدم توازن به تبع منجر به شکل‌گیری فرایندی در راستای تکاپو برای برقراری این توازن می‌شود. ابعاد تاریخی و فرهنگی به‌عنوان اهرمی کنترل‌کننده با برساخت نمادهای ملی و تکریم آنها و تحریک اراده تاریخی/ ملی از طریق سازوکارهای اجتماعی، الگویی فراروی جامعه ارائه داده و از این طریق به برقراری توازن میان داده و ستاده کمک می‌کنند.

با این حال عواملی از قبیل تبعیض، عدم تخصیص امکانات تعمیم یافته، دو قطبی سازی سیاسی، سنت مردسالاری، خشونت‌گرایی و مصرف‌گرایی می‌تواند مختل‌کننده هویت ملی تصور شود. این عوامل که بیشتر ذیل ابعاد جغرافیایی، دینی و مذهبی و سیاسی/ فرهنگی نمایانده شده اند، نه تنها به حفظ و ارتقای انسجام اجتماعی یاری نخواهند رساند، بلکه در حکم عواملی واگرا موجب تشدید چالش‌ها خواهند شد. این روند مختل‌کننده می‌تواند بر رابطه و توازن داده و ستاده تأثیر عکس بگذارد و از طریق روند نمادسازی و ایجاد زبان مشترک جدید، به جای سوق وضعیت بیان داده و ستاده به سمت تعادل، به تشدید بی‌توازنی بینجامد. به عبارت دیگر گروه‌های قومی با ایجاد گروه خودی درصدد تمایزبخشی با گروه غیر برمی آیند و مطابق با آن به نمادسازی و حتی تاریخ‌سازی می‌پردازند که بسیاری مواقع در تقابل با نمادها و آیین‌های ملی قرار می‌گیرد و در مواردی هم با ایجاد فضای رقابتی شدید به تقابل گروه‌های اجتماعی دامن می‌زند و با استمرار آن در طول زمان، به قطب‌بندی‌های موجود قوت می‌بخشند.

تلاش برای پرهیز از هماوردی و تقابل ستیزنده میان این دو از طریق زمینه ای انگاشتن بعد مدیریتی قابل تفسیر است. درواقع از این منظر ورزش جایگاه واسطه‌گرایانه‌ای دارد که می‌تواند میان روند هویتی دولت و جریان مقاومت‌گرا بستری از گرایش به گفت‌وگو فراهم آورد.

با تحلیل فرآیندها می‌توان نتیجه گرفت ورزش فارغ از جنبه تفریحی و عوامل بازدارنده‌ای از قبیل تعارض‌سازی میان هویت محلی، ملی و فراملی، می‌تواند نقش مهمی در توسعه و رشد فرآیند ملت‌سازی ایفا کند. به نحوی که دولت‌ها با تدوین سیاست‌های ورزشی در راستای تقویت و تعمیق هویت ملی تلاش کرده و از طریق تهییج اجتماعی و شور و نشاط در فضای اوقات فراغت به افزایش اعتماد اجتماعی و به تبع غرور ملی دست می‌یابند که موجب تقویت فرهنگِ همزیستی مردمان یک مجموعه سرزمینی می‌شود. هم‌چنین ورزش در جامعه‌ای با تنوع فرهنگی، وجود عوامل بازدارنده‌ای از قبیل ایدئولوژی‌ها و تبعیض، می‌تواند به کارکردی منفی و ایجاد بسترهای مقاومتی در برابر هویت غالب بیانجامد، این پدیده تأثیری منفی بر روند شکل‌گیری و تقویت هویت جمعی می‌گذارد و زمینه غیریت‌سازی‌های مختلفی در درون جامعه می‌شود. از این نظر اهتمام مسؤولان به جنبه‌های ارزشیابی آموزشی و استراتژی‌های محتوایی می‌تواند باعث جذب خرده‌فرهنگ‌های پیرامونی جامعه ورزشی شود.

ورزش می‌تواند مجرایی برای گره زدن علایق مردم مناطق مختلف کشور

باشد، که در نهایت همبستگی ملـی را رقـم مـی زنـد و مـی توانـد بسـتری بـرای ابـراز وجود هویت‌های سیاسی دیگر باشد.

منابع

- اخوان‌کاظمی، مسعود (۱۳۷۸)؛ «ورزش و سیاست بین‌الملل»، ***نشریه المپیک***، س ۷، ش ۱ و ۲، صص۲۷-۳۶.
- ذکائی، محمدسعید (۱۳۸۱)؛ «نظریه و پژوهش در روش‌های کیفـی»، ***فصلنامه علوم اجتماعی***، س ۵، ش ۱۷. صص ۵۳-۶۴.
- فاضلی، حبیب‌اله (۱۳۹۳)؛ ***ورزش و مسأله هویت ملی***، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- کیلین، الـن (۱۳۹۴)؛ «انسـان شناسـی ورزشـی»، ترجمـه ی آسـیه نمـازی، در: ***علـوم اجتمـاعی در ورزش***، جمع‌آوری: جوزف مگوایر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- مگوایر، جوزف (۱۳۹۴)؛ ***علوم اجتماعی در ورزش***، ترجمه ی آسیه نمازی، تهران: انتشارات دانشگاه علـم و صنعت ایران.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۸)؛ «ورزش و سیاست»، ***فصلنامه سیاست***، دوره ۳۹، ش ۲، صص ۳۰۱-۳۰۹.
- میلر، دیوید (۱۳۸۳)؛ ***ملیت***، ترجمه‌ی داود غرایاق زندی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- هاشمی، سیدضیاء؛ جوادی‌یگانه، محمدرضا (۱۳۸۶)؛ «فوتبال و هویت ملی»، ***فصلنامه مطالعات ملـی***، س ۸، ش ۳۰، صص ۱۱۰-۱۲۲.
- وست، دبورا؛ بوچر، چارلز (۱۳۷۴)؛ ***مبانی تربیت بـدنی و ورزش***، ترجمـه‌ی احمـد آزاد، تهـران: انتشـارات کمیته ملی المپیک.

- Buirner. A (2001); ***Sport, Nationalism and Globalization***, State university of New York press
- Danforth.L.M (2001); "Is the world game an ethnic game or an Aussie game? Narrating the nation in Australian soccer", ***American Ethnologist***, 28(2): 363-387.
- Houlihan. B & Green. M (2008); ***Comparative elite sport development: systems, structures and public policy***, Amsterdam, Butter worth Hieneman.
- Kotnik. V. (2009); "Sport & nation in anthropological perspective: Slovenia as land of skiing nationhood" in: ***Anthropologia***, Vol 1, No 7, PP 35-66.
- Novak M. (1993); ***Joy of sports: Revised: End Zane Bases Basketball and the Consecration of the American Spirit***, Network Paperback.
- Silverman. D (2005); "Instannces or sequences? Improving the state of the art of qualitative research". Forum: ***Qualitative social Research***, 6(3). Art 30.
- Sorek. T & White R.G. (2016); "American football and national pride: racial differences". In: ***Social Science research***, (56) 266-278.